

تحولات روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر بازار نفت

حجت ربیعی پورسلیمی*، رضا شیرزادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی دو بازیگر محوری در خاورمیانه محسوب می‌شوند که نوع رویکردهای آنها در عرصه‌ی منطقه‌ای و کیفیت مناسبات آنها با یکدیگر نه تنها تأثیر مهمی بر منافع دو کشور دارد، بلکه بر شرایط، روندها و ثبات و امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه نیز تأثیرگذار است. در واقع، در صورتی که این دو کشور بتوانند روابط و همکاری‌های خود را گسترش دهند و دیدگاه‌ها و سیاست‌های خود در سطح منطقه را به هم نزدیک کنند، علاوه بر تأمین بهتر منافع و امنیت ملی خود، خواهند توانست ثبات و همکاری‌های منطقه‌ای در خاورمیانه را نیز افزایش دهند.

ارتباط کشورها با محیط بیرونی از سه زاویه می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد: «روابط اختلاف آمیز» که در آن، در برداشت‌ها و منافع، اختلاف وجود دارد، اما قابل حل است. «روابط تناقض آمیز» که با ناسازگاری بنیادین همراه است و به راحتی قابل حل نیست و به گذشت زمان نیاز دارد و «روابط تضاد آمیز» که در آن، منافع و دیدگاه‌های طرفین در تقابل کامل قرار داشته و مسائل، ریشه‌ای تر از آن است که با تضارب آراء حل شود. [۱]

حوزه‌ی خلیج فارس به عنوان یکی از مناطق مهم در زمینه تولید و صدور نفت خام جهان محسوب می‌شود و کشورهای جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی با برخورداری از ذخایر عظیم نفتی خود می‌توانند در این زمینه نقش مهمی ایفاء نمایند. عربستان با در اختیار داشتن ۵۲ درصد از ذخایر شناخته شده نفت در جهان، صاحب رتبه اول و ایران نیز در این زمینه حائز رتبه سوم جهانی می‌باشد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال نویسنده: ۹۵/۱۱/۲۰

تاریخ ارسال به داور: ۹۵/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش داور: ۹۵/۱۲/۰۵

واژگان کلیدی:

رقابت سیاسی، رقابت امنیتی، تولید نفت، بهای نفت، هژمونی منطقه‌ای، ایران، عربستان

مقدمه

بر اساس یک تقسیم‌بندی، بزرگ‌ترین بازیگران بازار نفت را می‌توان در چارچوب بازیگران دولتی، فرادولتی و فراملی از یکدیگر جدا کرد. در عرصه‌ی بازیگران دولتی، آمریکا، عربستان سعودی، روسیه، چین و اتحادیه اروپا (مجموعه‌ای از دولت‌های بزرگ مصرف کننده) به عنوان بزرگ‌ترین بازیگران بازار نفت محسوب می‌شوند. در حوزه‌ی فرادولتی نیز اوپک و آژانس بین‌المللی انرژی، تأثیرگذارترین بازیگران عرصه نفت جهان به حساب می‌آیند و هریک، نمایندگی طیف بزرگی از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان عمده‌ی نفت جهان را بر عهده دارند. در عرصه‌ی فراملی هم می‌توان از شرکت‌های چندملیتی نفتی و بورس‌های نفتی به عنوان بزرگ‌ترین بازیگران بازار نام برد. [۲]

بنابراین، عربستان سعودی یکی از بازیگران بزرگ بازار جهانی نفت محسوب می‌شود. مهم‌ترین مؤلفه ژئوپولیتیک این کشور در اختیار داشتن ۲۵ درصد از منابع نفت کل جهان است؛ به گونه‌ای که عربستان می‌تواند روزانه حداکثر تا ۱۲/۵ میلیون بشکه نفت هم تولید کند و به این وسیله نقشی تعیین کننده در بازار نفت جهان ایفا نماید. این قدرت تولید، به این کشور امکان داده است که در قیمت‌گذاری نفت و به طور کلی، تولید، توزیع و مصرف آن، نقش

خاصی را ایفا کند و همچنان که اشاره شد، از آنجایی که «کشش قیمتی تقاضای نفت» بسیار پایین است، حساسیت کمی نسبت به تغییرات قیمت از سمت تقاضاکنندگان وجود دارد. بنابراین، با اندکی افزایش عرضه نفت در بازار، این امکان وجود دارد که قیمت آن به شدت کاهش یابد. عربستان سعودی نیز با توجه به این ویژگی بازار نفت با استفاده از اهرم میزان تولید و ظرفیت مازاد ۲/۵ میلیون بشکه‌ای که در اختیار دارد، می‌تواند بهای جهانی نفت را دچار نوسان کاهشی یا افزایشی کند.

۱- مروری بر پیشینه‌ی نوسان بهای نفت

نفت کالایی راهبردی محسوب می‌شود و در نتیجه‌ی تغییرات قیمت، عرضه و تقاضای این کالا برای مصرف کنندگان و تولید کنندگان آن اهمیت دارد. «حساسیت شدید قیمت نفت نسبت به عرضه و تقاضای مورد انتظار» همواره علت اصلی نوسان‌های قیمت نفت خام بوده است. همین امر، دلیل ایجاد سازمانی متشکل از تولید کنندگان مهم نفت خام به نام اوپک در سال ۱۹۶۰ شد. دهه‌ی اول عمر اوپک با نقش کم‌رنگ این سازمان در مدیریت بازار جهانی نفت همراه با انحصار شرکت‌های بزرگ نفتی گذشت. [۳]

گسترش میادین و اکتشافات جدید در راستای تنوع بخشی به عرضه و وابسته نبودن به اوپک به ویژه به خلیج فارس، موجب رشد فناوری در کشورهای مصرف کننده مهم شد که این امر اشتغال را در این کشورها بالا می برد و در نهایت، تقویت کننده رشد اقتصادی در این کشورها بود و از سوی دیگر، با رشد فناوری در زمینه هایی نظیر حفاری، اکتشاف و تولید، کشورهای تولید کننده به علت توسعه نیافتگی، وارد کننده این فناوری می شدند.

نکته قابل توجه این است که با وجود ذخایر عظیم نفت در خلیج فارس (خاورمیانه)، سهم این منطقه در تولید جهانی نفت از ۴۷ درصد در سال ۱۹۷۵ به نحو چشمگیری کاهش یافت و به ۲۶/۷ درصد در سال ۱۹۹۰ و به ۳۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسید. بنابراین، می توان گفت سیاست تنوع بخشی به منابع عرضه و کوشش در راستای کاهش یا نبود وابستگی کشورهای صنعتی پیشرفته به عرضه نفت خام از خلیج فارس تا حد زیادی ثمربخش بوده است. البته این امر تا اواسط دهه ۱۹۹۰ مؤثر بود ولی پس از آن، به ویژه در سال های اخیر به علت رشد اقتصادی کشورهای آسیایی و افزایش تقاضای نفت از سوی این کشورها، تا حد زیادی از تأثیر سیاست تنوع بخشی به عرضه کاسته شده است.

تجربه بازار نفت بین سال های ۱۹۷۶ تا ۲۰۰۰ نشان داده است که اگر عربستان بتواند در مواقع لزوم، تولید نفت خود را به اندازه کافی افزایش دهد می تواند از افزایش سریع و شدید قیمت نفت در کوتاه مدت جلوگیری کند. در سال ۱۹۸۹، ظرفیت تولید روزانه نفت عربستان ۷/۵ میلیون بشکه بود. این ظرفیت به ۸/۵ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۱، به ۹/۶ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۳، ۱۰ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۵ و ۱۰/۵ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۹ رسید. ظرفیت تولید مازاد نفت عربستان در طول جنگ اول خلیج فارس ۰/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۱ بود که تا پایان دهه ۱۹۹۰ به ۲ میلیون

کشورهای عضو سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) در پایان دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ با داشتن نزدیک به ۷۴ درصد از ذخایر نفت جهان، در حدود سه درصد از مصرف نفت را به خود اختصاص داده بودند در حالی که کشورهای آمریکا و آسیا با مصرف نزدیک به ۸۰ درصد نفت خام فقط ۲۰ درصد از ذخایر نفت خام را در اختیار داشتند. بنابراین، نگرانی مصرف کنندگان بزرگ در کشورهای پیشرفته صنعتی در مورد امنیت عرضه منطقی بود. [۴]

عربستان در سال های ۱۹۸۵-۱۹۸۲ «نقش تنظیم کنندگی» را ایفا می کرد و تولید خود را زیر ظرفیت واقعی تولیدش نگه می داشت تا اوپک بتواند قیمت خود را حفظ کند. اما این دوره، زمان پرهزینه ای برای عربستان بود و از ۱۹۸۵ به بعد، به علت نیازهای کوتاه مدت مالی، از این نقش دست برداشت. طی نیمه اول دهه ۱۹۸۰ که عربستان نقش «تولید کننده تنظیم گر» را ایفا می نمود، در کنار کاهش قیمت، سهم تولید این کشور نیز کاهش پیدا کرد. این دو جریان، سبب کاهش در آمد ارزی عربستان شد که این کاهش، تحقق نیافتن برخی از اهداف سیاسی و اقتصادی این کشور را به دنبال داشت. بنابراین، عربستان در سال ۱۹۸۵ از این نقش کناره گرفت. با این وجود، عربستان سعودی به علت حجم ذخایر بالا و ظرفیت جذب درآمدی محدود، می تواند بر روی بازار نفت تأثیرگذار باشد؛ به عبارتی، اگر قیمت تعیین شده توسط اوپک با اهداف عربستان یکی نباشد، این کشور قدرت کافی خواهد داشت که بازار نفت را دو قیمتی کند. در اجلاس دوحه قطر در سال ۱۹۷۶، فقدان مشارکت میان عربستان و امارات با دیگر اعضای اوپک موجب دو قیمتی گردیدن نفت شد. همچنین، در دهه ۱۹۸۰ تمایل عربستان برای اعلام قیمت های پایین و همسویی این هدف با سیاست های آمریکا موجب کاهش قیمت نفت گردیده، در حالی که این تصمیم به رغم تصمیم های دیگر اعضا نظیر لیبی بود.

علاوه بر آن، کشورهایی که بیشتر ذخایر نفت را در اختیار داشتند (اوپک) کشورهای توسعه نیافته ای با ساختارهای ناپایدار اقتصادی محسوب می شدند و با توجه به هزینه پایین تولید نفت در کشورهای عضو اوپک، برای پی گیری سیاست تنوع بخشی به عرضه یعنی توسعه فعالیت های اکتشاف در سایر نقاط و رشد و توسعه میادین برای پوشش دادن تقاضا، باید قیمت ها افزایش می یافت تا حدی که تولید در کشورهای تولید کننده غیر اوپک سودآور شود.

نکته دیگر آنکه، بدون افزایش قیمت نفت خام، رشد انرژی های جایگزین برای نفت با قیمت های سال ۱۹۷۰-۱۹۶۹ یعنی ۱/۸۰ دلار در هر بشکه، به کندی صورت می گرفت، از این رو، از دیگر دلایلی که افزایش قیمت نفت خام را ضروری می ساخت، اقتصادی شدن رشد انرژی های جایگزین بود. از سوی، سرمایه گذاری و تلاش در راستای بالا بردن کارایی در تولید (مانند پایین آوردن هزینه تولید در میادین پرهزینه) و سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه برای

۱۱ | میزان تقریبی ظرفیت افزایش تولید اعضای اوپک [۶]

کشور	ظرفیت اضافه تولید (هزار بشکه)
عربستان	۲۵۰۰
ایران	۷۶۰*
عراق	۳۵۰
لیبی	۲۸۰
ونزوئلا	۱۵۰

* ظرفیت افزایش تولید ایران مربوط به سال ۲۰۱۵ است و به دنبال انعقاد برجام، حدود ۵۴۰ هزار بشکه به تولید ایران افزوده شد.

حدود ۴۰ کشور از تولیدکنندگان فعلی نظیر آمریکا، مکزیک، آذربایجان، نروژ، روسیه، برزیل و چین تا سال ۲۰۳۰ میلادی خاتمه یابد [۸] و در پی آن، نگرانی‌های جدی در زمینه تأمین امنیت انرژی این کشورها به وجود آید. اما با کشف منابع نامتعارف نفتی و سرمایه‌گذاری گسترده برای ارتقای فناوری‌های تولید از این منابع، به لحاظ فنی حجم ذخایر نفتی قابل برداشت افزایش قابل توجهی یافت و به دنبال افزایش قیمت نفت خام طی سال‌های اخیر، اجرای این پروژه‌ها از توجیه اقتصادی نیز برخوردار شد. این روند که یکی از پدیده‌های نوظهور جهانی در حوزه انرژی به‌شمار می‌رود، نخست از منطقه آمریکای شمالی آغاز شد و توسط صاحب‌نظران صنعت نفت و ژئوپلیتیک انرژی، «انقلاب نفت نامتعارف^۲» نامیده شد. [۹]

بر اساس آخرین بررسی‌های زمین‌شناسی نفت، در حالی که عمده «منابع متعارف نفت» در منطقه خاورمیانه، آمریکای لاتین و آسیای میانه واقع شده است اما اغلب «منابع نامتعارف نفت» در آمریکای شمالی، آمریکای لاتین و تا حدودی در مرکز و شرق آسیا قرار دارد. بر اساس آمارهای موجود، تاکنون حدود ۴۰ درصد ذخایر متعارف نفت جهان، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. میزان ذخایر متعارف باقیمانده حدود ۱۶۵۰ میلیارد بشکه می‌باشد که ۴۸ درصد آن در منطقه خاورمیانه می‌باشد. آمریکای جنوبی و آمریکای لاتین، آمریکای شمالی، اروپا و آسیا، آفریقا و آسیا-اقیانوسیه نیز به ترتیب با ۱۹، ۱۳، ۸/۵ و ۲/۵ درصد ذخایر متعارف جهان در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.

اما با در نظر گرفتن منابع نامتعارف، ترتیب و آرایش مناطق دارنده ذخایر نفت جهان تغییر خواهد کرد؛ به طوری که از مجموع ۵۴۰۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی جهان، منطقه آمریکای شمالی با بیش از ۲۱۰۰ میلیارد بشکه (۴۰ درصد) در رتبه نخست جهان قرار خواهد گرفت و خاورمیانه (۲۱ درصد)، اروپای شرقی و اوراسیا (۱۹ درصد)، آمریکای لاتین و آمریکای جنوبی (۱۲ درصد)، آفریقا (۳/۶ درصد)، آسیا-اقیانوسیه (۲/۶ درصد)، و اروپای غربی (۱/۸ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. [۱۱]

صاحب‌نظران بر این باورند که در صورت ادامه‌ی روند سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه و بهره‌برداری از منابع نامتعارف، حوزه‌ی «آمریکای شمالی» که در حال حاضر از حیث تولید نیز در مقایسه با سایر مناطق پیشگام است، به قطب آینده‌ی تولید نفت جهان یا «خاورمیانه جدید»^۳ تبدیل خواهد شد. [۱۲]

اهمیت تغییر موازنه بازار نفت جهان در نتیجه همسویی و همگرایی احتمالی کشورهای بلوک غرب وقتی دو چندان می‌شود که به انحصار فعلی «دانش فنی» جهت توسعه و بهره‌برداری از منابع نامتعارف نفتی توسط شرکت‌های آمریکایی توجه ویژه‌ای داشته باشیم. بنابراین، توسعه منابع نفتی نامتعارف در حوزه آتلانتیک و کشورهای همسو با ایالات متحده با آهنگ سریع‌تری به اجرا در

بشکه و در حال حاضر همچنان که در جدول ۱- مشاهده می‌شود به ۲/۵ میلیون بشکه افزایش یافته است. [۵]

بنابراین، آنچه از طرف خریداران نفت و نیز عربستان سعودی به عنوان نقش مطلوب ریاض در بازار نفت قلمداد می‌شود، اجرای نقش یک «وزنه تعادل» در کوتاه‌مدت و بلندمدت است که در شرایط کاهش تولید نفت و یا افزایش پیش‌بینی نشده تقاضای آن، قیمت را در بازه موردنظر مهار کند.

عربستان گاه برای تثبیت بازار، نقش تولیدکننده پرنوسانی را بازی کرده است که با اتکا به ظرفیت بالای تولید خود، با کم و زیاد کردن حجم عرضه، قیمت را در سطح موردنظر تنظیم می‌کند و گاهی، راهبرد شمشیر را در پیش گرفته و برای مقابله با کشورهای مخالف، از نفت به عنوان «سلاح اقتصادی» استفاده کرده است. این کشور گاهی نیز برای فریب بازار، از اطلاعات و آمار غیرقابل اعتماد بهره برده است. آمار و اطلاعات بر بازار تأثیر می‌گذارد و بازار نفت نیز از این قاعده مستثنا نیست. بازرگانان، سرمایه‌گذاران و سفته‌بازان همه از نزدیک آمارهایی را که از سوی مراجع مختلف مانند آژانس بین‌المللی انرژی، شرکت بین‌المللی بیکر هیوز آمریکا، اوپک و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه اعلام می‌شود، دنبال می‌کنند.

در ادامه، مهم‌ترین عوامل مؤثر در نوسان تولید و بهای نفت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- عوامل فنی و جغرافیایی مؤثر در نوسان تولید و بهای نفت

تاکنون چنین تصور می‌شد که کشورهای واقع در منطقه بیضی انرژی^۱ [۷] در دهه‌های آتی همچنان قدرت بلامنازع بازار جهانی نفت باقی خواهند ماند و ائتلاف و همگرایی آنها به عنوان تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده و انحصاری نفت می‌تواند ساز و کار حاکم بر بازار جهانی نفت را تعیین کند. اما به نظر می‌رسد چشم‌انداز توسعه «منابع نامتعارف نفتی» و ورود برخی از کشورهای مصرف‌کننده نظیر آمریکا، چین، کانادا و برزیل به جرگه‌ی بازیگران کلیدی بازار جهانی نفت خام، زمینه‌ساز ایجاد الگوی نوینی در بازار جهانی و ژئوپلیتیک نفت بوده و در حال متزلزل کردن موقعیت بازیگران سنتی است.

اگرچه افزایش قابل توجه تولید از محل منابع نامتعارف نفت، حداقل در آینده نزدیک محقق نخواهد شد، اما آغاز این روند به خودی خود تأثیر قابل توجهی در تغییر موازنه انرژی جهان، شکل‌گیری قلمروهای ژئواستراتژیک جدید، بُروز تأثیرات قابل توجه در ژئوپلیتیک انرژی و تغییر قواعد بازی خواهد داشت.

بر اساس پیش‌بینی‌های انجام شده، با در نظر گرفتن ذخایر متعارف نفتی در ابتدای قرن بیست و یکم که میزان آن در جدول ۲- قابل مشاهده است، انتظار می‌رفت ذخایر نفتی

افت تدریجی تولید نفت متعارف و نامتعارف، مجموع تولید نفت این کشور به حدود ۸ میلیون بشکه در روز تنزل خواهد یافت که همچنان نیمی از این رقم سهم تولید منابع نامتعارف خواهد بود. [۱۳] بر اساس بررسی‌های انجام شده، توسعه منابع نامتعارف نفت می‌تواند افزایش ۱۰ میلیون بشکه‌ای تولید روزانه نفت خام جهان در افق ۲۰۳۵ را در پی داشته باشد که ۳ میلیون بشکه از آن مربوط به کشورهای اوپک و مابقی سهم کشورهای غیر اوپک خواهد بود. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت خام جهان در افق ۲۰۳۵ بخشی از تقاضای خود را با رشد تولید نفت متعارف و نامتعارف جبران می‌کند اما همچنان، میزان وابستگی این کشور به نفت خام وارداتی زیاد بوده و از ۵۲ به ۸۱ درصد افزایش خواهد یافت. تنها در ایالات متحده به دلیل اتخاذ سیاست‌های مدیریت تقاضا از یکسو و افزایش تولید نفت با محوریت منابع نامتعارف از سوی دیگر، کاهش قابل توجه وابستگی به واردات نفت خام مشاهده می‌شود. مهم‌ترین تأثیر توسعه منابع نامتعارف نفتی، کاهش وابستگی این کشور به نفت خام وارداتی از ۴۵ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۲۷ درصد در سال ۲۰۳۵ است.

نکته بسیار مهم اینکه راهبرد ایالات متحده در بلندمدت، کاهش تدریجی واردات نفت از خاورمیانه است به طوری که حجم واردات نفت خام آمریکا از خاورمیانه از ۲/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۰ به ۱/۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته و با استمرار این استراتژی، حجم واردات در افق ۲۰۳۵ به حدود ۱۵۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید. در حالی که این روند برای چین و هند برعکس بوده و وابستگی این دو کشور به نفت خام منطقه خاورمیانه به سرعت در حال افزایش است.

بر اساس پیش‌بینی‌های انجام شده، ۹۰ درصد صادرات نفت خام منطقه خاورمیانه به مقصد منطقه آسیا-اقیانوسیه صورت می‌گیرد. استراتژی آمریکا در این زمینه کاهش سهم خاورمیانه از سبد واردات نفت خود، تلاش برای توسعه حداکثری منابع نامتعارف به منظور تأمین امنیت عرضه نفت خام برای هم‌پیمانان ژئواستراتژیک آن کشور یعنی اتحادیه اروپا و قدرت‌های اقتصادی متمایل به واشنگتن نظیر ژاپن، کره جنوبی و هند و همچنین تلاش برای حفظ هژمونی خود در سایه رهبری اجماع فراآتلانتیک، ضمن کاهش وابستگی به واردات نفت است.

۳- عوامل اقتصادی مؤثر در نوسان قیمت نفت

بازار جهانی نفت قبل از سال ۲۰۰۸ همواره با روندهای صعودی قیمت‌های نفت مواجه بود، به‌عنوان مثال، قیمت نفت وست تگزاس اینترمدییت (WTI) آمریکا از حدود ۲۶ دلار در هر بشکه با افزایش ۳/۸ برابری به ۹۹/۷ دلار در هر بشکه در سال ۲۰۰۸ افزایش یافت. اما با وقوع «بحران مالی» در این سال، قیمت‌های جهانی نفت نیز با کاهش شدید مواجه شد به طوری که قیمت

خواهد آمد و کشورهای نظیر استرالیا، کانادا و عربستان سعودی که همسویی بیشتری با مواضع آمریکا دارند، در مقایسه با روسیه، چین و سایر کشورهای مستقل راه آسان‌تری برای توسعه و بهره‌برداری منابع نامتعارف نفتی خود در پیش خواهند داشت. نخستین نشانه‌های انقلاب منابع نفتی نامتعارف را می‌توان رشد تولید نفت خام آمریکا از سال ۲۰۰۸ دانست که با جبران افت تولید نفت خام این کشور، توانسته است تولید نفت خام آمریکا را دوباره به سطح ۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۱ و هم‌تراز با سطح تولید این کشور در سال ۱۹۹۸ رسانده و رتبه سوم تولید نفت خام جهان را (بعد از عربستان و روسیه) کسب کند. این رویداد که نتیجه‌ی برنامه‌ریزی بلندمدت و سال‌ها تلاش در زمینه سرمایه‌گذاری و توسعه فناوری در زمینه اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از منابع نامتعارف نفتی است، کاهش حجم واردات نفت خام و کاهش وابستگی به واردات از ۶۰ به ۴۵ درصد را برای این کشور به همراه داشته و امیدهای تازه‌ای در خصوص تأمین امنیت انرژی برای بسیاری از کشورهای مصرف‌کننده و دارنده‌ی ذخایر نامتعارف نفتی به وجود آورده است.

بر اساس برآوردهای آژانس بین‌المللی انرژی، میزان تولید نفت خام آمریکا در سال ۲۰۲۰ به‌طور موقت از روسیه پیشی گرفته و این کشور با تولید بیش از ۱۰ میلیون بشکه در روز پس از عربستان در رتبه دوم تولید نفت جهان قرار خواهد گرفت که نیمی از این رقم سهم تولید منابع نامتعارف است. البته در افق ۲۰۳۵ به دلیل

۲ | میزان ذخایر اثبات شده نفت جهان (میلیون بشکه) [۱۰]

کشور/منطقه	سال ۲۰۱۱ میلادی	سال ۲۰۱۵ میلادی
عربستان	۲۶۵۴۰۵	۲۶۶۴۵۵
آمریکا	۲۶۵۴۴	۳۶۳۸۵
خاورمیانه	۷۹۷۱۵۵	۸۴۸۲۰۸
ایران	۱۵۴۵۸۰	۱۵۸۴۰۰
عراق	۱۴۱۳۵۰	۱۴۲۵۰۳
روسیه	۷۷۴۰۳	۸۰۰۰۰
ونزوئلا	۲۹۷۵۷۱	۳۰۰۸۷۸
امارات متحده	۹۷۸۰۰	۹۷۸۰۰
ذخایر کل جهان	۱۴۶۵۸۱۳	۱۴۹۲۶۷۷
اوپک	۱۲۰۰۹۷۹	۱۲۱۱۴۳۲
درصد سهم اوپک از جهان	۸۱/۹	۸۱/۲

اوپک نشان می‌دهد که عربستان به تنهایی بیش از ۳۰ درصد از تولید اوپک را در اختیار دارد اما سهم ایران از تولید اوپک در اکتبر ۲۰۱۶ تنها نزدیک به ۱۱ درصد می‌باشد. علاوه بر آن، با توجه به ظرفیت مازاد تولید ۲/۵ میلیون بشکه‌ای عربستان سعودی که امکان رساندن میزان تولید آن کشور در مقطعی به بیش از ۱۲/۵ میلیون بشکه را نیز فراهم می‌کند، اهمیت آن کشور در اوپک و نقش تعیین کننده آن در میزان تولید و بهای جهانی نفت را مشخص می‌نماید. همچنین آمار میزان تولید نفت در برخی کشورها و منطقه خاورمیانه در جدول ۳- نشان می‌دهد که عربستان از سال ۲۰۱۱ به تدریج بر میزان تولید نفت خود افزوده است و در مقابل، ایران به دلیل افزایش تحریم‌های بین‌المللی، ناچار تولید خود طی این سال‌ها را به صورت تدریجی کاهش داد.

۵- پیامدهای سیاست کاهش بهای نفت برای عربستان

همچنان که اشاره شد، هدف سیاست نفتی عربستان، اقتصاد ایران و روسیه بود، اما به نظر می‌رسد که این دو کشور به مراتب کمتر از خود عربستان آسیب دیدند. اقتصاد ایران به خاطر تحریم‌های هسته‌ای، به کم‌بودن درآمد نفتی عادت کرده بود. همچنین پس از انعقاد توافق برجام، مبالغی از پول‌های بلوکه شده وارد اقتصاد ایران شد و با رفع تدریجی موانع تجارت با سایر کشورها، صادرات نفت ایران افزایش یافت و اقتصاد ایران توانست در سایر زمینه‌های غیرنفتی (صنعت، توریسم، ترانزیت و...) نیز توسعه یابد. از سوی دیگر، انرژی، حدود نیمی از درآمد دولت فدرال روسیه و ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) آن کشور است در حالی که ۸۰ درصد بودجه‌ی عربستان از انرژی تأمین می‌شود و ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور متکی به این بخش است. علاوه بر آن، ارزش روبل روسیه نسبت به دلار شناور می‌باشد که این امر، گزینه‌های زیادی برای دولت روسیه فراهم می‌کند، اما در عربستان

نفت وست تگزاس در سال ۲۰۰۹ به ۴۶/۷ دلار در هر بشکه کاهش پیدا کرد (حدود ۴۰ درصد کاهش نسبت به سال ۲۰۰۸). پس از آن، قیمت‌های مذکور تا سال ۲۰۱۳ دوباره روند صعودی به خود گرفت. اما از اواسط سال ۲۰۱۴ و آغاز سال ۲۰۱۵ روندهای قیمتی مجدد معکوس شد. رکوردهای ثبت شده سطوح قیمتی جدید در یک دهه گذشته بی سابقه می‌باشند به گونه‌ای که قیمت نفت وست تگزاس در برخی از روزهای دو ماه ابتدای سال ۲۰۱۶ به زیر ۳۰ دلار در هر بشکه نیز رسیده است. روند مشابهی را در زمینه قیمت سبب نفتی اوپک و نفت برنت دریای شمال طی همین مدت می‌توان ملاحظه کرد [۱۴]. مهمترین دلایل کاهش قیمت‌های جهانی نفت، گذشته از تحلیل‌های مرتبط با مسائل سیاسی را می‌توان در دو بُعد عرضه و تقاضای این کالای اقتصادی طی سال‌های اخیر جستجو کرد. بدیهی است با پیشی گرفتن عرضه هر کالای اقتصادی بر تقاضای آن در بازار و ایجاد مازاد عرضه، می‌توان انتظار کاهش قیمت را داشت. میزان کاهش قیمت بستگی به سطح حساسیت (کشش) تقاضای آن کالا به تغییرات قیمت دارد. در ادامه، به بررسی وضعیت بازار جهانی نفت از این دو منظر پرداخته می‌شود.

۴- نفت و رقابت ایران و عربستان

همچنان که اشاره شد، نفت مدت‌های طولانی است که باعث اهمیت عربستان سعودی در سطح منطقه و همچنین در سطح بین‌المللی شده است [۱۵]. نفت ۲۲ درصد از صادرات عربستان و بخش عمده درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. به علاوه، صنعت نفت حدود ۴۲ درصد تولید ناخالص داخلی عربستان را تشکیل داده و درآمد سرانه این کشور (تخمین سال ۲۰۱۵) با حدود ۵۳۱۴۲ دلار بر اساس «برابری قدرت خرید»، دوازدهمین در دنیاست. متوسط تولید روزانه نفت ایران، عربستان و مجموع کشورهای عضو

۳ | میزان تولید نفت در کشورها و مناطق عمده در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ (هزار بشکه در روز) [۱۶]

ردیف	کشور/منطقه	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
۱	عربستان	۹۳۱۱	۹۷۶۳	۹۶۳۷	۹۷۱۲/۷	۱۰۱۹۲/۶
۲	ایران	۳۵۷۶	۳۷۳۹/۸	۳۵۷۵/۳	۳۱۱۷/۱	۳۱۵۱/۶
۳	خاورمیانه	۲۳۰۰۴/۸	۲۴۱۰۶/۵	۲۳۸۴۵/۳	۲۳۵۱۰/۹	۲۴۴۹۴/۹
۴	روسیه	۹۷۸۷/۴	۹۹۵۳/۳	۱۰۰۴۷/۳	۱۰۰۸۷/۵	۱۰۱۱۱/۷
۵	آمریکا	۵۶۳۷/۴	۶۴۷۵/۸	۷۴۵۴	۸۷۰۷/۶	۹۴۳۰/۸
۶	اوپک	۳۰۹۱۵/۴	۳۳۱۸۸/۱	۳۲۳۳۰/۹	۳۱۳۸۰/۲	۳۲۳۱۵/۲

کشورهای مهم تولیدکننده عضو و غیر عضو اوپک را فراهم کرد و در یکصد و هفتاد و یکمین نشست سازمان اوپک برای نخستین بار از سال ۲۰۰۸ میلادی، اعضای این سازمان بر سر کاهش تولید نفت خام خود به اجماع رسیدند. در این اجلاس که در آذر ماه سال ۱۳۹۵ هجری شمسی برگزار شد، کشورهای عضو اوپک توافق کردند به مدت ۶ ماه از اول سال ۲۰۱۷ میلادی روزانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه از تولید خود بکاهند و مجموع تولید اوپک را به ۳۲ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز محدود کنند. اجرای این توافق منوط به همکاری کشورهای غیرعضو اوپک و کاستن روزانه ۶۰۰ هزار بشکه نفت از تولیدشان شده است.

این امر در صورت اجرایی شدن تا حد زیادی تعادل بازار نفت و منطقی شدن قیمت‌ها را به دنبال خواهد داشت. اعلام این توافق باعث صعودی شدن روند قیمت نفت شد و بهای نفت به بالای ۵۰ دلار در هر بشکه افزایش یافت. اما تنها «اجرای مفاد توافق توسط کشورهای عضو و غیر عضو» می‌تواند این افزایش قیمت را به ثبات برساند. هرچند ممکن است افزایش قیمت نفت سبب تولید بیشتر تولیدکننده‌های آمریکایی شود و دوباره قیمت نفت کاهش یابد، اما از نظر تحلیلگران، قیمت نفت به تعادل خواهد رسید و روند کاهشی شدیدی که طی دو سال گذشته بازار را مختل کرده بود، به پایان می‌رسد.

نکته قابل توجه این توافق، کاهش محسوس سقف تولید نفت عربستان با وجود افزایش تولید ایران است؛ در واقع، نیمی از کاهش واقعی تولید توافق شده به عهده‌ی عربستان است که تولید روزانه خود را ۴۸۶ هزار بشکه کاهش می‌دهد و پس از آن، عراق با کاهش ۲۱۰ هزار بشکه‌ای تولید خود موافقت کرده است. متحدان عربستان در حاشیه خلیج فارس نیز بخش اعظم باقیمانده کاهش تولید را عهده‌دار خواهند بود.

اعضای اوپک در حالی برای کاهش مجموع تولید خود به اجماع رسیدند که در این میان سهم هر کشور به‌طور مجزا مشخص شده است. ایران تنها کشوری است که در جدول مورد تأیید اوپک اجازه افزایش تولید نفت تا نود هزار بشکه در روز را دارد. اندونزی، لیبی و نیجریه نیز از کاهش تولید معاف شده‌اند، اما موضوعی درباره افزایش تولیدشان مطرح نشده است. سایر کشورها نیز همگی عهده‌دار بخشی از کاهش تولید نفت اوپک خواهند بود. مدت توافق نشست ۱۷۱ اوپک ۶ ماه خواهد بود و با در نظر گرفتن شرایط و دورنمای بازارهای جهانی نفت خام برای ۶ ماه دیگر قابل تمدید خواهد بود.

بر این اساس، تولید نفت عربستان به نزدیکی سطح تولید آن کشور در آغاز سال ۲۰۱۶ یعنی قبل از افزایش تولید در فصل تابستان خواهد رسید؛ اما گفته می‌شود مهم‌ترین عاملی که سبب شد ریاض این توافق را بپذیرد، فشارهای اقتصادی بوده که طی چند سال اخیر متحمل شده و سبب بروز بدهی‌های سنگین داخلی و خارجی شده است.

قیمت دلار ثابت است که بار سنگینی بر دوش دولت می‌گذارد. همچنین ایران و روسیه از لحاظ سیاسی با ثبات‌تر از عربستان هستند و برای تأمین امنیت به منابع خارجی متکی نیستند، اما عربستان در طول هشتاد سال گذشته همیشه امنیت خود را برون‌سپاری کرده که بالطبع بسیار هزینه‌بر می‌باشد.

در مجموع، کاهش قیمت نفت در سال ۲۰۱۵ حدود ۳۰۰ میلیارد دلار به کشورهای جنوب خلیج فارس زیان وارد کرد [۱۷]. امروزه بیشترین هشدارها و مقالات در مورد اوضاع اقتصادی رو به وخامت عربستان منتشر می‌شود اما در مورد وخامت وضعیت اقتصادی ایران و روسیه چنین هشدارهای مطرح نمی‌شود. برای نمونه، صندوق بین‌المللی پول در گزارشی هشدار داد که اگر هزینه‌های دولت عربستان مهار نشود، این کشور تا سال ۲۰۲۰ ورشکسته می‌شود. در این گزارش اشاره می‌شود که عربستان در سال ۲۰۱۴ حدود ۳/۴ درصد کسری بودجه داشته اما در سال ۲۰۱۵، کسری بودجه عربستان به ۲۱/۶ درصد (حدود ۱۰۰ میلیارد دلار) رسیده است.

افزایش قابل توجه قیمت نفت از ۳۰ دلار به ازای هر بشکه در سال ۲۰۰۳ به نقطه اوج پایدار در حدود ۱۰۰ دلار در بازه‌ی زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ و پیش از کاهش مجدد آن در سال ۲۰۱۴ باعث شد که تولید ناخالص داخلی عربستان در یک دهه دو برابر شود و اقتصاد آن کشور از جایگاه بیست و هفتم جهانی در سال ۲۰۰۳ به جایگاه نوزدهم اقتصاد دنیا در سال ۲۰۱۴ ارتقا یابد. تولید ناخالص داخلی اسمی این کشور حدود ۷۵۰ میلیارد دلار است که نسبت به شاخص مشابه برای سوئیس و سوئد بالاتر است. به علاوه، این قابلیت وجود دارد که تا سال ۲۰۳۰ در صورت مهار مشکلات اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری از منابع گوناگون داخلی و خارجی، تولید ناخالص داخلی عربستان دو برابر شود و ۸۰۰ میلیارد دلار دیگر به رقم فعلی اضافه گردد. ۴ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری که عمدتاً توسط بخش خصوصی مستقر در عربستان سعودی و یا شرکت‌های بین‌المللی تأمین می‌شود، می‌تواند اقتصاد بدون نفت آن کشور را تقویت کند. همچنین، حکومت عربستان با ایجاد ۶ میلیون شغل، می‌تواند خیل جمعیت جوان جوای کار این کشور را به‌طور کامل جذب کند [۱۸].

۶- عربستان و دلایل توافق بر سر کاهش تولید

قیمت نفت هرچند با کمک سیاست نفتی عربستان و تحت تأثیر رقابت منطقه‌ای آن کشور با جمهوری اسلامی ایران (به موازات تأثیر عوامل اقتصادی و فنی که در بخش‌های پیشین به آن اشاره شد) سقوط کرد، اما تغییرات بازار نفت پس از کاهش بهای آن به شکلی بود که بالا بردن مجدد قیمت نفت کار ساده‌ای نبوده و عربستان به تنهایی نمی‌توانست زمینه تقویت بهای نفت را فراهم کند. عربستان اگر برای خاتمه سیاست کاستن از قیمت نفت، تولید خود را کاهش می‌داد، به احتمال زیاد فقط سهم خود را از بازار از دست داده و شاهد کاهش مضاعف درآمد خود می‌شد.

این وضعیت در نهایت موجبات همراهی و هماهنگی عربستان با سایر

در منطقه بهره‌برداری کند اما همچنان که در این مقاله به مشکلات اقتصادی عربستان به اجمال اشاره شد، ریاض حتی بیش از ایران و روسیه از این سیاست خود زیان دید و با توجه به موافقت این کشور با کاهش تولید نفت در اجلاس اخیر اوپک، به نظر می‌رسد در نهایت، از ادامه این سیاست دست کم در میان مدت صرف نظر کرده است.

بنابراین، توافق اوپک و به دنبال آن، افزایش بهای نفت تا حدودی می‌تواند از فشار اقتصادی وارد آمده بر ریاض بکاهد اما حتی اگر تولید کنندگان نفت به میزان تولید خود طبق توافق حاصل شده به شکل صادقانه پایبند بمانند، افزایش قیمت نفت زمان‌بر خواهد بود و به نظر نمی‌رسد میزان این افزایش به سطح قیمت‌های قبلی نفت یعنی بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه برسد.

به طور کلی، در پی کاهش قیمت نفت، صدها میلیارد دلار خسارت به کشورهای عضو اوپک وارد شد. با وجود آنکه هدف اصلی کمک عربستان به کاهش بهای نفت، اعمال فشار اقتصادی بر ایران و روسیه در جریان رقابت‌های منطقه‌ای بود اما طی این مدت تهران و مسکو به راه خود ادامه دادند و این سیاست بیشتر موجب آسیب دیدن اقتصاد و بازار بورس عربستان شد به طوری که مجموع بدهی‌های داخلی و بین‌المللی این کشور را در سال ۲۰۱۶ میلادی به ۵۳/۳۶ میلیارد دلار رسانید.

نتیجه‌گیری

در مجموع، عربستان سعودی در فرایند رقابت‌های منطقه‌ای به‌ویژه از سال ۲۰۱۴ کوشید تا از اهرم سلاح نفت برای پیشبرد اهداف خود

پانویس‌ها

1. The Strategic Energy Ellipse

2. Unconventional Oil Revolution

3. New Middle East

منابع

Peace and Freedom

[8] BP Statistical Review of World Energy, London: BP P.L.C, June 2012.

[9] IHS (2012), "America's New Energy Future: The Unconventional Oil and Gas Revolution and the US Economy", IHS CERA Report, Englewood: IHS Publications (October 2012), p. 5.

[10] OPEC Annual Statistical Bulletin (2016), p. 22.

[11] IEA, World Energy Outlook, (2011), Paris: International Energy Agency, p. 180.

[12] Morse, Edward L., (2012), Energy 2020: North America, the New Middle East?, Citigroup Global Markets, (20 March 2012), p. 41.

[13] Birol, Fatih (2012), World Energy Outlook, Paris: International Energy Agency, (December 2012), p. 8.

[۱۴] میرزا ابراهیمی، رضا (۱۳۹۵)، "بازار جهانی نفت"، در: اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵: بیم‌ها و امیدها، تهران: صندوق بازنشستگی کشوری، ص ۳۶.

[15] Wehrey F, et al (2009), Saudi-Iranian Relations Since the Fall of Saddam: Rivalry, Cooperation, and Implications for U.S. Policy, Sponsored by the Smith Richardson Foundation, RAND Corporation, p.2.

[16] OPEC Annual Statistical Bulletin (2016), P.30.

[17] Clifford, Krauss (2016), Oil Prices: What's Behind the Volatility? Simple Economics, The New York Times, At: <http://www.nytimes.com/interactive/2016/business/energy-environment/oil-prices.html>.

[۱۸] مؤسسه جهانی مککنزی، (۱۳۹۵)، عربستان بدون نفت؛ تحول در سرمایه‌گذاری و بهره‌وری، تهیه و تدوین: مهدی رزم‌آهنگ، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه توسعه و برنامه‌ریزی)، شماره مسلسل: ۱۴۸۵۳، (خرداد ماه ۱۳۹۵)، ص ۵.

[۱] سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازنگری و پارادیم‌اتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ص ۶۳.

[۲] میرترابی، سعید، ربیعی، اسماعیل (۱۳۹۱)، "توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های راهبردی ایران در بخش نفت"، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره یازدهم (تابستان ۱۳۹۱)، ص ۲۸.

[۳] جمشیدی رودباری، مستانه (۱۳۸۷)، "بررسی علل تطابق نیافتن مدل‌های اقتصادی رفتار اوپک در بلندمدت از دیدگاه تحولات بازار نفت و ویژگی‌های این سازمان"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۴۷، (پاییز ۱۳۸۷)، ص ۲۶.

[۴] جمشیدی رودباری، مستانه (۱۳۸۷)، همان منبع، ص ۴۴.

[5] Fattouh, Bassam, (2011) An Anatomy of the Crude-Oil Pricing System, WPM, No.40, Oxford Institute for Energy Studies, January., p.18.

[6] Ramady, Mohamed & Mahdi, Wael (2015), OPEC in a Shale Oil World: Where to Next?, Switzerland: Springer International Publishing AG, P.229.

[۷] از نظر جفری کمپ، «بیضی استراتژیک انرژی» منطقه‌ای ژئوپلیتیکی شامل سرزمین ایران و کلّ خلیج فارس در مرکز، شیخ نشین‌های عربی در جنوب، بخش‌هایی از عراق، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان و گرجستان در غرب و شمال غربی، مجموعه دریای خزر و بخش‌هایی از جنوب روسیه و قسمت‌هایی از سرزمین قزاقستان در شمال و بخش‌هایی از ازبکستان در شمال شرق آن تعریف شده است که بیش از هفتاد درصد از ذخایر اثبات شده نفت و بیش از چهل درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان در این منطقه قرار گرفته است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

Kemp, Geoffrey (1997). Energy Superbowl: Strategic Politics and the Persian Gulf and Caspian Basin, Washington D.C: Nixon Center for